

## جامعه مدنی، دموکراسی و مهاجرت

زهرا جعفری

دولت، حد به چالش طلبدن دولت را از طرف نهادهای مدنی محدود می‌کند و حتی منتقدان دولت باید هزینه‌ی زیادی را تحمل کنند و یا در چارچوب مشخص حرکت کنند.

عضو گروه مطالعات زنان انجمن جامعه‌شناسی ایران تصریح کرد: البته دولت می‌تواند نقش حمایتی نیز داشته باشد، در این صورت باید امکاناتی را فراهم کند تا نهادهای جامعه‌ی مدنی از فشار گروه‌های فشار در امان باشند.

وی در پاسخ به این سوال که آیا خانواده جزئی از جامعه‌ی مدنی است، گفت: در این زمینه اتفاق نظر وجود ندارد زیرا اگر جامعه‌ی مدنی را متشکل از نهادهای مدرن بدانیم و خانواده را در درون آن قرار دهیم، آن‌گاه باید خانواده دارای ویژگی‌های مدرن باشد، درحالی که عده‌ی زیادی از محققان زن معتقدند که در خانواده سلسله مراتب نابرابری حاکم است.

وی افزود: در صورتی که برخی فلاسفه معتقدند که این توهم وجود دارد که خانواده سازمان و نهادی است که عشق و برابری برای اولین بار در آن فرا گرفته می‌شود و از درون خانواده مرد به عنوان سرپرست خانواده وارد حوزه‌ی جامعه‌ی مدنی می‌شود، گروه بزرگی از فمینیست‌ها جامعه‌ی مدنی را قبول ندارند و عمده‌ی فعالیت‌هایشان را روی بازتاب هنجارهای جنسیتی خانواده در عرصه‌ی عمومی و خصوصی قرار داده‌اند.

اعزازی اضافه کرد: آن‌ها معتقدند که جامعه‌ی مدنی هم مانند عرصه‌ی عمومی حتی اگر به طور کلی به روی زنان بسته نباشد ولی تا حدود زیادی بسته است.

وی تصریح کرد: هرچند زنان در عرصه‌ی جامعه‌ی مدنی فعالند، ولی حوزه‌ی فعالیت آنان محدود به حوزه‌های محلی و خانوادگی است و کمتر دیده می‌شود تا در حوزه‌های بالای جامعه‌ی مدنی فعالیت کنند. استاد دانشگاه تهران با اشاره به تحقیقات گروه‌های فمینیستی درباره‌ی جنبش‌های زنان گفت: با وجود پویایی عرصه‌ی تحقیقات زنانه، هنوز جای بررسی‌هایی درباره‌ی محدوده‌های مورد علاقه‌ی زنان برای فعالیت‌های اجتماعی، تفاوت زبان درخواست و مدیریت NGO های زنانه و مردانه خالی است.

وی افزود: هم‌چنین بررسی میزان انعکاس هنجارهای جنسیتی جامعه در درون نهادهای مدنی ضروری است تا مشخص گردد که این سازمان‌ها تا چه حد نقش پیش‌برنده و رهایی بخش درباره‌ی جایگاه اجتماعی زنان و یا عقب‌برنده به سمت محیط خانواده و ترویج دوری از محیط اجتماع را در بین زنان را ایفا کرده‌اند.

گروه مطالعات زنان انجمن جامعه‌شناسی ایران ۲۷ آبان ماه، جامعه‌ی مدنی و رابطه‌ی آن با دموکراسی و جامعه‌ی مدنی مسلمانان آلمان را مورد بررسی قرار داد.

### جامعه‌ی مدنی و دموکراسی

شهبلا اعزازی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران در آغاز این جلسه با اشاره به پیشینه‌ی مفهوم جامعه‌ی مدنی از عصر فلاسفه‌ی یونانی تا عصر روشنگری، جنگ جهانی دوم و امروز گفت: به غیر از مارکس و مارکسیست‌ها که جامعه‌ی مدنی را با ظهور بورژوازی هماهنگ می‌دانستند، بقیه مکاتب موجود، دیدگاه مثبت نسبت به جامعه‌ی مدنی داشته و آن را برابر با جامعه‌ی مدرن و دموکرات می‌دانند.

وی سال ۱۸۹۸ را نقطه‌ی عطفی در پیدایش جامعه‌ی مدنی خواند و افزود: ۲۰۰ سال پس از انقلاب فرانسه و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و دیوار برلین مشخص شد که انقلاب تنها راه بهتر برای رسیدن به جامعه‌ی بهتر نیست و دیگر انقلاب نمی‌تواند منجر به بهبود وضعیت جوامع شود.

اعزازی در تعریف جامعه‌ی مدنی آن را بستری از کارکردهای مشترک غیرتحمیلی حول اهداف و ارزش‌های مشترک خواند و افزود: جامعه‌ی مدنی نهاد واسطی بین دولت و مردم است.

عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران درباره‌ی رابطه‌ی موحد بین جامعه‌ی مدنی و دموکراسی گفت: وجود دموکراسی در جامعه پایه و اساس جامعه‌ی مدنی را تشکیل می‌دهد.

وی درباره‌ی این که آیا دموکراسی به رشد جامعه‌ی مدنی کمک می‌کند و یا جامعه‌ی مدنی باعث ایجاد کشورهای دموکراتیک می‌شود، اظهار داشت: از دیدگاه مثبت، جامعه‌ی مدنی قدرتمند توازن قدرت را بین جامعه و مردم ایجاد می‌کند و به نفع مردم جامعه عمل می‌کند. ضمن آن که جامعه‌ی مدنی با فشار به دولت عملاً آن را وادار می‌کند تا در برابر جامعه پاسخگو باشد. در واقع جامعه‌ی مدنی حلقه‌ی واسطی بین دولت و افراد جامعه است که صدای مردم را به گوش دولت می‌رساند، هنجارهای دموکراتیک تنظیم می‌کند و دولت را وادار می‌کند در این حوزه عمل کند.

اعزازی خاطرنشان کرد: در این دیدگاه مثبت‌گرایانه مقوله‌ی قدرت نادیده انگاشته شده است، درحالی که نهادهای منتقد دولت در جامعه‌ی مدنی خنثی‌کننده‌ی قدرت دولت نیستند، زیرا دولت می‌تواند جامعه‌ی مدنی را محدود کند و این بستگی به تساهل دولت دارد که تا چه حد به کنشگران اجتماعی اجازه‌ی فعالیت بدهد.

وی افزود: قوه‌ی مقننه، قضائیه و پلیس در اختیار دولت است و قدرت

مهاجرت، جامعه‌ی مدنی و مسئله‌ی جنسیت در جمهوری فدرال آلمان  
دکتر ایرنه اشنایدر، استاد دانشگاه گوتینگن در جلسه‌ی انجمن جامعه‌شناسی زنان ابعاد جامعه‌ی مدنی مسلمانان در آلمان فدرال را بررسی کرد.

وی با تأکید بر این‌که جامعه‌ی مدنی مفهوم پیچیده‌ای است، اظهار داشت: براساس آرای آنتونیو گرامشی، جامعه‌ی مدنی حوزه‌ای میان دولت، بازار و فرد و حوزه‌ای برای سازمان‌یابی و مکان‌یابی مناقع فردی است که خصلت‌های دواطلبانه و خودمختاری سازمانی در آن مشاهده می‌شود و وظایفی چون حفاظت از فرد در برابر دخالت‌های دولت، میانجی‌گری میان حوزه‌ی سیاسی و غیرسیاسی، کارکرد مدنی، شکل‌گیری جماعت‌های اجتماعی و کارکرد اجتماعی را برعهده دارد.

استاد دانشگاه گوتینگن با اشاره به این‌که حدود سه میلیون مهاجر مسلمان در آلمان وجود دارند که از کشورهای ایران، ترکیه و افغانستان به آلمان آمده‌اند و دارای مذاهب گوناگونی چون سنی، شیعه، علوی، بهایی، نمایندگان مذاهب مختلف سنی و صوفی هستند، افزود: دین اسلام در هر یک از این کشورها خاستگاه نقشی بسیار متفاوت در قانون و گفتمان اجتماعی به خود اختصاص می‌دهد و نمودهای مختلفی به خود می‌گیرد.

وی درباره شکل‌گیری نهادهای اجتماعی مختلف در بین مسلمانان گفت: انتقال ارزش‌های دینی سازمان‌های مذهبی مثل مساجد و جماعت‌های دینی به کودکان مهاجر و حفظ حقوق مسلمانان از جمله اهداف شکل‌گیری این نهادهای اجتماعی است.

ایرنه اشنایدر درباره‌ی کارکرد این نهادها گفت: این نهادها می‌توانند حافظ حقوق مسلمانان در زمینه‌های تغذیه حلال، حقوق اتباع خارجی، تعلیمات دینی اسلامی برای دانش‌آموزان مسلمان و حضور در مطبوعات آلمان باشند.

وی در ادامه‌ی سازگاری با قانون اساسی آلمان، نمایندگی واقعی منافع مسلمانان را از جمله پیش‌شرط‌های ضروری این سازمان‌ها خواند و تصریح کرد: جناح‌بندی‌های قومی و دینی جماعت‌های اسلامی آلمان باید برای یافتن وجوه مشترک برای فعالیت در چارچوب جامعه‌ی سکولار آلمان تلاش کنند.

ایرنه اشنایدر با بیان این‌که برخی از تفسیرهای سنتی و فقهی اسلامی با قانون اساسی آلمان در تضاد است، افزود: تساوی زن و مرد، آزادی دینی و مجازات‌های بدنی از جمله مواردی است که دولت آلمان از جامعه‌ی اسلامی این کشور خواسته تا آن‌ها را مورد بررسی قرار دهند. وی سازمان‌های اسلامی موجود در آلمان را در سه دسته‌ی جماعت‌های محلی حول مسجد، تشکل‌های ملیتی فرمانطقه‌ای و شورای هماهنگی مسلمانان قرار داد و درباره‌ی این‌که آیا این تشکل‌ها، نهادهای جامعه‌ی مدنی محسوب می‌شوند، اظهار داشت: با اتکاء به

تعاریف موجود، از آنجا که انجمن‌های اسلامی خصلتی مستقل از دولت و دواطلبانه دارند، نقش میانجی‌گر میان فرد و دولت را ایفا می‌کنند و حافظ حقوق مسلمانان در برابر دولت آلمان هستند، نهادهای جامعه‌ی مدنی محسوب می‌شوند و از سوی دیگر چون این تشکل‌ها از جنبه‌های گوناگون یا به صورت غیرعلنی و آشکار وابسته به دولت‌های اسلامی هستند، شفافیت لازم را در بیان تعداد اعضای‌شان ندارند و نیز تنها ۱۵ درصد از مسلمانان آلمان عضو آنها هستند، نمی‌توان آن‌ها را نماد جامعه‌ی مدنی محسوب کرد.

استاد دانشگاه گوتینگن در بخش دیگری از سخنانش درباره‌ی نقش جنسیت در سازمان‌های اسلامی گفت: براساس تحقیق خانم Necla Kelek برتری مردان در جماعت‌های سازمان یافته‌ی اسلامی محافظه‌کار مشهود است و زنان در این سازمان‌ها در مرتبه‌ی پایینی در سلسله مراتب سنتی قرار دارند و تصویر یک اسلام سنتی را ارائه می‌دهند؛ در حالی که در اسلام زنانه‌ی جدید (فمینیستی)، زنان در جایگاه‌های بالاتری نسبت به ساختار سازمان‌های سنتی قرار دارند.

وی خاطر نشان کرد: درک جدیدی از اسلام در حال شکل‌گیری است که در ایجاد آن می‌توان روند اسلامیزه کردن زنان را مشاهده کرد که چارچوب اجتماعی جدیدی به نام نئو اسلام را ایجاد کرده است و زنان نماینده آن نئو مسلمة نامیده می‌شوند که با جامعه‌ی آلمان هم پیوندی بیشتری نسبت به سایرین دارند.

ایرنه اشنایدر افزود: این زنان به دلیل آموزش و اشتغال، مشارکت بیشتری از خود نشان می‌دهند و مرکز پژوهش اسلامی و یاری‌رسان زنان از جمله نهادهایی است که نماینده‌ی زنان نئو مسلمة‌ی آلمان محسوب می‌شود. ضمن آن‌که بخشی از زنان مسلمان نیز در رده‌ی سکولارها قرار دارند.

وی با اشاره به بالا گرفتن مشاجرات درباره‌ی سازگاری قرآن با قانون اساسی آلمان، گفت: این بحث برخاسته از روبرو شدن جامعه‌ی مسلمان و تصورات مذهبی در جامعه‌ی پساکولار آلمان است.

استاد دانشگاه گوتینگن آلمان در پاسخ به این سوال که آیا نوعی اسلام آلمانی در حال شکل‌گیری است، گفت: وزیر وقت کشور آلمان در سال ۲۰۰۶ اقدام به تشکیل کنفرانسی با هدف بررسی امکان ایجاد اسلام آلمانی و با حضور نمایندگان دولت، دانش‌پژوهان و دانشگاهیان، نمایندگان سازمان‌های اسلامی و افراد مستقل و بدون حضور زنان نئو مسلمة نمود.

ایرنه اشنایدر تصریح کرد: مهم‌ترین هدف دولت آلمان از برگزاری این کنفرانس دستیابی به یک روند هویت‌یابی و نگرش مشترک در بین مسلمان سکولار و مذهبی و فرصتی برای شکل‌گیری اسلام آلمانی بوده است.